



Research Article

Sustainable Tourism and Its Role in Preserving the Culture of the Nomads of Rezvanshahr

Farhad Javan^{1*}

¹: Assistant professor, Department of Tourism Management, Faculty of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

* Corresponding Author, f.javan@umz.ac.ir

Receive Date: 06 June 2025

Accept Date: 20 September 2025

ABSTRACT

Introduction: Sustainable tourism has been recognized as a promising tool for socio-economic development and the preservation of cultural heritage in various regions. Nomadic communities, with their rich cultural structures and unique lifestyles, possess significant potential for attracting cultural and sustainable tourism. However, unbalanced tourism development can pose a serious threat to the authenticity of these communities' cultural identity. This study examines the complex interaction between the cultural identity of the nomadic community of Rezvanshahr and the development of sustainable tourism in the region.

Objectives: The main objective of this study is to explain the relationship between the various dimensions of the cultural identity of the nomads of Rezvanshahr and the components of sustainable tourism (economic, social, and cultural) within this community. Specifically, this study seeks to identify how elements of cultural identity influence the attractiveness of sustainable tourism destinations, as well as to examine the role of supportive and participatory factors in balancing this relationship and ensuring the long-term sustainability of tourism benefits for the nomadic community.

Methodology: This study adopts a qualitative methodology. Data collection was conducted through tools such as in-depth interviews with members of the nomadic community, local elites, and officials of relevant institutions, as well as questionnaires, observation, and the review of related documents. Qualitative data were analyzed using coding and grounded theory.

Geographical Context: This research was conducted in the geographical area inhabited by the nomads of Rezvanshahr. Due to its distinct cultural and social characteristics of nomadic communities, this region was selected as the study area.

Results and Discussion: The findings show that sustainable tourism in the nomadic community of Rezvanshahr is based on nine macro categories that include cultural, economic, environmental and social aspects simultaneously. In the meantime, strengthening cultural identity and preserving intangible heritage, along with economic empowerment, as two complementary axes, play a fundamental role in sustainability. Also, the preservation of traditional ways of life, indigenous knowledge and social capital helps to maintain the internal structures of nomadic society. On the other hand, protecting the environment and preserving the traditional body strengthens the objective dimension of sustainability. Finally, local management and participatory governance as a prerequisite of this research form the foundation of the final implementation model.

Conclusion: Sustainable tourism, when implemented through a planned and community-based approach, serves as an effective tool for preserving and strengthening the culture, livelihoods, and identity of the nomadic community of Rezvanshahr. This approach contributes to the representation of intangible heritage, economic improvement, environmental protection, and the enhancement of social capital, ultimately leading to balanced development and cultural sustainability in these communities. Achieving this requires appropriate managerial and institutional mechanisms.

KEYWORDS: Sustainable tourism, nomadic culture, sustainable development, cultural heritage, Rezvanshahr.

گردشگری پایدار و نقش آن در حفظ فرهنگ عشایر رضوانشهر

فرهاد جوان^{۱*}

۱. استادیار گروه مدیریت جهانگردی، دانشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

* نویسنده مسئول، Email: f.javan@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۶ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۴۰۴

چکیده

مقدمه: گردشگری پایدار به عنوان ابزاری نویدبخش برای توسعه اقتصادی-اجتماعی و حفاظت از میراث فرهنگی در مناطق مختلف شناخته شده است. جوامع عشایری، با ساختار فرهنگی غنی و سبک زندگی منحصربه‌فرد خود، پتانسیل قابل توجهی برای جذب گردشگری فرهنگی و پایدار دارند. با این حال، توسعه نامتوازن گردشگری می‌تواند تهدید جدی برای اصالت هویت فرهنگی این جوامع محسوب شود. این پژوهش به بررسی تعامل پیچیده بین هویت فرهنگی جامعه عشایری رضوانشهر و توسعه گردشگری پایدار در این منطقه می‌پردازد.

هدف پژوهش: هدف اصلی این پژوهش، تبیین رابطه بین ابعاد مختلف هویت فرهنگی عشایر رضوانشهر و مؤلفه‌های گردشگری پایدار (اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی) در این جامعه است. به طور خاص، این مطالعه به دنبال شناسایی چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌های هویت فرهنگی بر جذابیت مقصدی گردشگری پایدار و همچنین بررسی نقش عوامل حمایتی و مشارکتی در تعادل بخشی به این رابطه و حصول اطمینان از پایداری بلندمدت منافع گردشگری برای جامعه عشایری است.

روش‌شناسی پژوهش: روش‌شناسی این پژوهش (کیفی) خواهد بود. گردآوری داده‌ها از طریق ابزارهایی چون مصاحبه‌های عمیق با اعضای جامعه عشایری، نخبگان محلی، و مسئولین نهادهای مرتبط، پرسشنامه، مشاهده و بررسی اسناد و مدارک مرتبط صورت خواهد پذیرفت. داده‌های کیفی از طریق کدگذاری و تئوری زمینه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: این تحقیق در منطقه جغرافیایی عشایر رضوانشهر انجام شده است. این منطقه به دلیل برخورداری از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاص جوامع عشایری، به عنوان بستر مطالعاتی این پژوهش انتخاب شده است.

یافته‌ها و بحث: یافته‌ها نشان می‌دهد گردشگری پایدار در جامعه عشایری رضوانشهر بر نه مقوله کلان استوار است که ابعاد فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی را به صورت هم‌زمان دربر می‌گیرد. در این میان، تقویت هویت فرهنگی و حفظ میراث ناملموس در کنار توانمندسازی اقتصادی، به عنوان دو محور مکمل، نقش بنیادینی در پایداری ایفا می‌کنند. همچنین، صیانت از شیوه‌های زیست سنتی، دانش بومی و سرمایه اجتماعی، به تداوم ساختارهای درونی جامعه عشایری کمک می‌کند. از سوی دیگر، حفاظت از محیط‌زیست و حفظ کالبد سنتی، بُعد عینی پایداری را تقویت می‌نماید. در نهایت، مدیریت محلی و حکمرانی مشارکتی به عنوان پیش‌شرط تحقق این ابعاد، بنیان اجرایی مدل نهایی پژوهش را شکل می‌دهد.

نتیجه‌گیری: گردشگری پایدار، با رویکردی برنامه‌ریزی‌شده و مبتنی بر مشارکت جامعه محلی، ابزاری مؤثر برای حفظ و تقویت فرهنگ، معیشت و هویت جامعه عشایری رضوانشهر است. این رویکرد به بازنمایی میراث ناملموس، بهبود اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست و تقویت سرمایه اجتماعی کمک کرده و در نهایت به توسعه متوازن و پایداری فرهنگی این جوامع یاری می‌رساند. تحقق این امر نیازمند سازوکارهای مدیریتی و نهادی مناسب است.

کلیدواژه‌ها: گردشگری پایدار، فرهنگ عشایر، توسعه پایدار، میراث فرهنگی، رضوانشهر.

مقدمه

در دنیای معاصر برای کاهش چالش‌ها و مسائل مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی که جوامع محلی با آن مواجه هستند (قادرزاده^۱ و همکاران، ۲۰۲۳)، توسعه و ترویج گردشگری یکی از مهم‌ترین و جدیدترین راهبردهای توسعه جوامع محلی است (ورما^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). با استناد به آمارهای منتشر شده گردشگری حدود ۱۰/۳ درصد از کل اشتغال (۳۳۳ میلیون شغل) و ۱۰/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی در جهان را به خود اختصاص داده است. بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری، حدود ۸۰ درصد از ۵۶ کشوری که به دنبال پیاده‌سازی استراتژی‌های کاهش فقر در جوامع محلی هستند، گردشگری را به‌عنوان ابزاری کلیدی و امیدوارکننده برای دستیابی به رشد اقتصادی، اشتغال و کاهش فقر مورد استفاده قرار داده‌اند. این سازمان همچنین، گردشگری را به‌عنوان یک استراتژی حیاتی برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره سوم در نظر گرفته است (یانان^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). در مجموع گردشگری به‌عنوان ابزاری برای بهینه‌سازی ساختار صنعتی در جوامع محلی، افزایش درآمد کشاورزان، محرک توسعه اقتصاد محلی (کو و سو^۴، ۲۰۲۴)، تقویت‌کننده مشاغل و رفاه جوامع محلی، حافظ منابع محلی و تقویت‌کننده اصالت و هویت محلی (کارالی و همکاران، ۲۰۲۴)، بهبود و ارتقای سطح آگاهی جمعیت محلی، تقویت کیفیت زندگی، فراهم نمودن بسترهای لازم برای بازگشت جمعیت به مناطق کوچکنتر و یک عامل تقویت‌کننده پایداری اجتماعی، به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع محلی در نظر گرفته شده است (جمینی و دهقانی^۵، ۲۰۲۴). با این اوصاف در صورت عدم مدیریت بهینه گردشگری و به عبارتی تداوم ناپایداری گردشگری، توسعه این صنعت می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری نظیر افزایش نابرابری و بی‌عدالتی شدید در سطح جامعه، ازدحام فزاینده جمعیت، تولید انبوه پسماند، افزایش قیمت کالاهای محلی و اراضی، افزایش هزینه زندگی برای جامعه محلی، افزایش نرخ ناهنجاری‌های اجتماعی و جرم و جنایت، مسائل مربوط به اصالت فرهنگی، تضاد فرهنگی، عدم صداقت و بیگانگی در میان ذینفعان محلی را به همراه داشته باشد (کارالی و همکاران، ۲۰۲۴).

جامعه عشایر ایران نیز به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی، قشری فعال و بخش مهمی از ساختار تاریخی - فرهنگی پیکره اجتماعی ملی ایران (صیدائی، ۱۳۸۸)، از قاعده فوق مستثنی نیست و علی‌رغم برخورداری از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مختلف انسانی، محیطی و اقتصادی (حجی‌پور، ۱۴۰۰؛ جمینی و دهقانی، ۱۴۰۲)، در اثر تغییر و تحولات مداوم و گسترده قرن حاضر نظیر رشد شتابان شهرنشینی، جهانی شدن، تغییرات اقلیمی و پیامدهای آن بر محیط‌زیست و ...، امروزه حیات اجتماعی آن‌ها با ابهامات زیادی مواجه گردیده است (Drees et al, 2022)؛ به گونه‌ای که در شرایط فعلی عشایر کشورمان با چالش‌های متعددی مواجه هستند (صفری علی اکبری، ۱۴۰۰) و این چالش‌ها حیات جامعه عشایری را در جهت فروپاشی و اضمحلال پیش برده‌اند (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۳). بررسی‌ها نشان می‌دهد در راستای حل معضلات و چالش‌های جامعه عشایری و رفع محرومیت از چهره این بخش از جامعه کشورمان، همانند سایر جوامع محلی، یکی از مهم‌ترین راهبردها، توسعه گردشگری عشایر است (رضایی، ۱۳۹۷). بر اساس متون منتشر شده توسعه گردشگری در میان جامعه عشایری با قابلیت‌های متعددی که در بطن آن نهفته است، توانایی رونق اقتصادی و تقویت معیشت جامعه عشایری را دارای می‌باشد (ضیائی و همکاران، ۱۴۰۰). با توجه به اهمیت توسعه گردشگری عشایری، و در راستای توسعه آن، انجام مطالعات دقیق در خصوص جامعه عشایری در راستای تدوین برنامه‌های توسعه‌ای برای این قشر تلاشگر از جامعه، می‌تواند در روند دستیابی به توسعه پایدار ملی و جامعه عشایری موثر واقع گردد (آفتاب و همکاران، ۱۳۹۵).

عشایر رضوانشهر، با میراث فرهنگی غنی خود که شامل کوچ‌نشینی، آداب و رسوم خاص، تولیدات دستی و ارتباط عمیق با طبیعت است، نمونه‌ای برجسته از این جوامع محسوب می‌شوند. با این حال، توسعه گردشگری در این مناطق، همانند سایر نقاط، چالش‌هایی را برای پایداری بلندمدت و حفظ اصالت فرهنگی به همراه دارد. هویت فرهنگی عشایر، که تار و پود زندگی روزمره، روابط اجتماعی و باورهای آنان را تشکیل می‌دهد، می‌تواند هم جاذبه‌ای قوی برای گردشگری باشد و هم در صورت عدم مدیریت صحیح، دستخوش تغییرات ناخواسته، سطحی‌شدن و یا از دست دادن اصالت خود شود. موفقیت در توسعه گردشگری پایدار برای

¹Ghaderzadah

²Verma

³Yanan

⁴Kou & Xue

⁵Jamini & Dehghani

این جوامع، نیازمند در نظر گرفتن عوامل حمایتی حیاتی مانند زیرساخت‌های متناسب با سبک زندگی عشایری، حمایت نهادهای مرتبط با جامعه عشایر، و مهم‌تر از همه، مشارکت فعال و آگاهانه خود اعضای جامعه عشایری است.

با وجود اهمیت روزافزون گردشگری پایدار، شکاف قابل توجهی در درک جامع از نحوه تعامل پیچیده بین هویت فرهنگی خاص عشایر رضوانشهر، توسعه گردشگری و مؤلفه‌های پایداری اقتصادی-اجتماعی در این جامعه منحصر به فرد وجود دارد. به طور خاص، مشخص نیست که چگونه ابعاد مختلف هویت فرهنگی عشایر (مانند سنت‌های کوچ‌نشینی، نمادهای مرتبط با دامداری و طبیعت، صنایع دستی، آیین‌ها و مراسم خاص، و ساختار اجتماعی مبتنی بر ایل و طایفه) به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر جذابیت مقصدی مبتنی بر تجربه فرهنگی اصیل و کیفیت تعاملات گردشگران با این جامعه تأثیر می‌گذارند. همچنین، ابهاماتی در مورد اینکه چگونه خطر "نمایش فرهنگی" یا سطحی‌شدن هویت در مواجهه با تقاضای گردشگری (تبدیل سنت‌ها به اجراهای نمایشی صرف) یا فرصت احیا و ارزش‌افزایی بر نمادهای فرهنگی در این بستر خاص عشایری بروز می‌یابد، وجود دارد.

این پژوهش با هدف روشن ساختن این دینامیک‌های پیچیده در بستر خاص جامعه عشایر رضوانشهر انجام می‌شود. درک بهتر تأثیر هویت فرهنگی بر گردشگری پایدار، به سیاست‌گذاران، مدیران گردشگری، سازمان‌های حمایتی امور عشایر و خود جامعه عشایری کمک می‌کند تا رویکردهای متناسب با فرهنگ و سبک زندگی عشایری را برای توسعه گردشگری اتخاذ نمایند. این رویکردها باید قادر باشند ضمن بهره‌برداری از پتانسیل‌های فرهنگی به عنوان جاذبه، از اصالت این میراث غنی حفاظت کرده و مانع از تبدیل شدن آن به کالایی نمایشی شوند. همچنین، شناسایی و تقویت عوامل حمایتی و مشارکتی کلیدی، زمینه را برای توسعه اقتصادی-اجتماعی پایدار و فراگیر در میان عشایر فراهم می‌آورد و به ارتقای کیفیت زندگی آن‌ها کمک می‌کند، بدون آنکه هویت و استقلال فرهنگی‌شان به مخاطره افتد. بنابراین، نتایج این تحقیق می‌تواند نقش بسزایی در تدوین راهبردها و سیاست‌های مؤثر برای گردشگری پایدار و مسئولانه در جوامع عشایری ایفا کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در ارتباط با موضوع مورد بررسی مطالعاتی انجام گرفته است که در ادامه به نتایج چند مطالعه مهم اشاره می‌شود. نتایج پژوهش قنبری و همکاران (۱۳۹۳) در خصوص راهبردهای توسعه گردشگری عشایری در ایل بختیاری نشان داد توسعه گردشگری از طریق برگزاری جشنواره‌های سالانه محصولات سنتی عشایر، ایجاد نهادهای آموزشی سنت‌های فرهنگی بختیاری جهت تقویت حس تعلق و احترام متقابل بین گردشگران و بومیان، رنامه ریزی برای آموزش نیروهای بومی و افزایش آگاهی عشایر منطقه، برگزاری سمینارها و نشست‌ها در راستای بازشناخت سنت‌های فرهنگی، می‌تواند در حفظ و توسعه فرهنگ عشایر موثر باشد. نتایج پژوهش میرواحدی و اسفندیاری بیات (۱۳۹۵) در خصوص بررسی پتانسیل کارآفرینی گردشگری فرهنگی در جامعه عشایر قشقایی ایران نشان داد توسعه گردشگری می‌تواند با اثرگذاری بر تمام اجزای زندگی عشایری اعم از آداب و رسوم، غذا، گویش و لهجه، موسیقی و ادبیات مردمی، صنایع دستی، نحوه کوچ، پوشاک، رقص، جشن‌ها و مراسم خاص عشایر و ...، در حفظ فرهنگ جامعه عشایری اثرگذار باشد. یافته‌های پژوهش رشیدوش و زحمتکش (۱۳۹۸) نشان داد پوشاک زنان و مردان عشایر قشقایی با کارکرد نمادین، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و هویتی، استعداد و پتانسیل بسیار مهمی برای توسعه گردشگری عشایری هستند و گردشگری نیز می‌تواند در حفظ اصالت جامعه عشایر نقش مؤثری را ایفا نماید. نتایج پژوهش انصاری و همکاران (۱۳۹۸) در ارتباط با اثر توسعه گردشگری عشایری بر شاخص‌های معیشت پایدار مرتعداران در میان مناطق عشایری لار در البرز مرکزی نشان داد توسعه گردشگری عشایری می‌تواند در تمامی ابعاد اقتصادی، سرمایه طبیعی و اکولوژیک و همچنین سرمایه اجتماعی، اثرات مثبتی را به همراه داشته باشد. نتایج پژوهش شمس‌الدینی و جمینی (۱۴۰۳) در خصوص توسعه گردشگری در استان فارس نشان داد توسعه گردشگری در میان جامعه عشایری به شیوه‌های مختلف از جمله تقویت و توسعه فرهنگ مهمان‌نوازی، حفظ آداب و رسوم بومی اصیل، حفاظت از دانش بومی، کمک به برگزاری جشن‌های محلی و اجرای موسیقی محلی، تشویق جامعه عشایری به استفاده از پوشاک محلی، خرید و استفاده از غذای محلی و سنتی، می‌تواند در حفاظت از فرهنگ و اصالت جامعه عشایری نقش کلیدی را ایفا نماید.

نتایج پژوهش دلاوری و همکاران (۱۴۰۴) در توسعه گردشگری در قلمرو کوچ‌نشینان شهرستان قوچان نشان داد توسعه گردشگری در قلمروهای عشایری از طریق فراهم نمودن بستر نقش‌آفرینی اقتصادی و فرهنگی مردم از طریق احداث و توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی، تولید و عرضه صنایع دستی، احیای آیین‌های بومی، تقویت اعتماد اجتماعی و ...، زمینه مشارکت همه‌جانبه جامعه محلی را در ابعاد مختلف توسعه پایدار فراهم می‌نماید. پروین جهرمی و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی در خصوص تحلیل انسان‌شناختی کارکردهای صنایع دستی قشقایی نشان دادند صنایع دستی در جامعه قشقایی فراتر از صرف تولیدات هنری، نقش چندبعدی و بنیادینی در رفع نیازهای اساسی جامعه ایفا می‌کند. این نقش‌ها شامل بازتولید فرهنگی، تقویت انسجام اجتماعی،

ارتقای مشارکت میان‌نسلی و دیپلماسی فرهنگی است که هم در فرآیند تولید و هم در مرحله مصرف، سازوکارهای حیاتی حفظ هویت، استمرار سنت‌ها و بازآفرینی فرهنگی را در ساختار زندگی ایلی فراهم می‌آورند. از این رو با توجه به ماهیت گردشگری، توسعه این صنعت می‌تواند در حفاظت و توسعه نقش‌های مختلف مرتبط با صنایع دستی، نقش پیشران را ایفا نماید.

نتایج پژوهش سواری و همکاران (۱۴۰۴) در خصوص عوامل موثر بر وفاداری گردشگران نسبت به غذای محلی در شهرستان شوشتر به‌عنوان یکی از قلمروهای کوچ‌نشینان در استان خوزستان نشانگر ارتباط و عامل دو طرفه گردشگری و فرهنگ در جامعه عشایری است؛ به این صورت که وفاداری گردشگران به غذاهای محلی نه تنها به حفظ فرهنگ غذایی و تقویت ارتباطات اجتماعی کمک می‌کند، بلکه نقش مهمی در توسعه پایدار گردشگری ایفا می‌نماید.

مرور ادبیات و سوابق پژوهش نشان می‌دهد علی‌رغم اهمیت توسعه گردشگری در ابعاد مختلف توسعه پایدار جوامع محلی و به ویژه جامعه عشایر که با چالش‌ها و مسائل متعددی مواجه هستند، مطالعات اندکی در خصوص نقش گردشگری بر حفاظت از فرهنگ جامعه عشایر انجام گرفته است. این در حالی است که جامعه عشایر کانون‌های اولیه هویت و اصالت جوامع به‌ویژه در کشورمان هستند. از این رو مطالعه حاضر به لحاظ موضوع مورد بررسی تا حد زیادی دارای نوآوری است و می‌تواند مبنایی برای سایر پژوهش‌ها در آینده باشد.

روش شناسی

این پژوهش با هدف تبیین «گردشگری پایدار و نقش آن در حفظ فرهنگ عشایر رضوانشهر»، از رویکرد کیفی بهره گرفته است؛ رویکردی که به دلیل ماهیت اکتشافی و عمیق خود، امکان درک لایه‌های پنهان پدیده‌ها و تبیین تجربیات زیسته افراد را فراهم می‌آورد. بر اساس اهداف پژوهش، طرح مطالعه موردی در منطقه رضوانشهر به کار گرفته شده است تا پدیده‌ی مورد نظر (گردشگری پایدار و فرهنگ عشایر) در بستر طبیعی و پیچیدگی‌های واقعی خود مورد بررسی قرار گیرد. جامعه آماری این پژوهش را عشایر ساکن در مناطق بیلاقی و قشلاقی رضوانشهر تشکیل می‌دهند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با پدیده‌ی گردشگری در ارتباط هستند. در روش نمونه‌گیری، از ترکیب نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی^۱ استفاده شده است؛ به این ترتیب که ابتدا با راهنمایی مسئولین محلی و بزرگان عشیره، افراد کلیدی و آگاه شناسایی شده و سپس از آن‌ها خواسته شد تا افراد دیگری را که می‌توانستند اطلاعات مرتبط و مفیدی ارائه دهند، معرفی کنند. در نهایت، با ۲۰ نفر از اعضای جامعه عشایری مصاحبه به عمل آمد و این روند تا رسیدن به اشباع نظری^۲ ادامه یافت. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۳ بود که با یک راهنمای مصاحبه شامل سوالات باز و انعطاف‌پذیر در مورد تجربیات گردشگران، تأثیر آن‌ها بر سبک زندگی، فرصت‌ها و چالش‌های اقتصادی، نگرانی‌ها و انتظارات آینده، دیدگاه در مورد پایداری گردشگری و نقش فرهنگ بومی طراحی شد. علاوه بر این، مشاهدات میدانی مستمر در مناطق عشایری، در زمان‌های مختلف و در حین تعاملات گردشگران با جامعه محلی، به درک عمیق‌تر زمینه و پویایی‌های اجتماعی کمک کرد و به صورت یادداشت‌های روزانه ثبت می‌شدند. برای تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهدات نیز از روش تئوری زمینه‌ای^۴ استفاده شد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان رضوانشهر در شمال غرب استان گیلان واقع گردیده و از لحاظ موقعیت جغرافیایی بین عرض‌های ۳۷ درجه و ۲۵ دقیقه و ۲۲ ثانیه تا ۳۷ درجه و ۴۰ دقیقه و ۳۴ ثانیه شمالی و طول جغرافیایی ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه و ۲۱ ثانیه تا ۴۹ درجه و ۱۳ دقیقه و ۷ ثانیه شرقی قرار گرفته است (شکل ۱). این شهرستان از نظر جهات جغرافیایی از طرف شمال به دریای خزر و شهرستان تالش، از سمت شرق به دریای خزر، شهرستان‌های بندر انزلی و صومعه‌سرا و از سوی جنوب و جنوب شرقی به شهرستان ماسال و از طرف غرب به شهرستان خلخال در استان اردبیل محدود می‌گردد، بدین لحاظ از موقعیت جغرافیایی و استراتژیک ممتازی برخوردار است به طوری که گره گاه ارتباطی بخش‌های مرکزی، غربی و شمالی محسوب شده و مدخل شاهراه ارتباطی گیلان به استان اردبیل، کشورهای قفقاز و روسیه است.

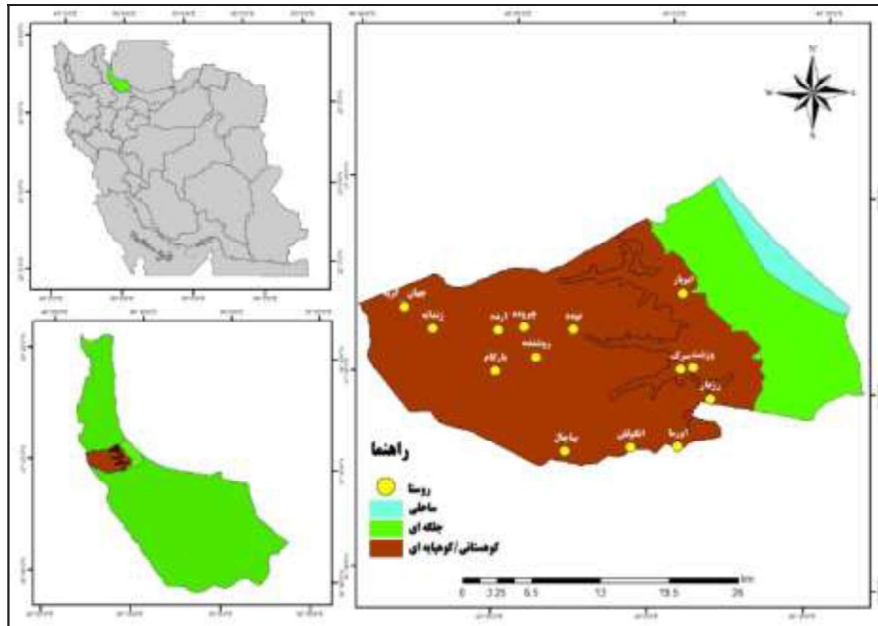
¹ Snowball Sampling

² Theoretical Saturation

³ Semi-structured Interview

⁴ Grounded Theory

شهرستان رضوانشهر به دلیل برخورداری از عرصه‌های کوهستانی، جنگلی، مرتعی و بیلاقی در جنوب و جنوب‌غرب و نواحی جلگه‌ای و ساحلی در شمال، یکی از کانون‌های مهم استقرار و تردد عشایر در شمال‌غرب گیلان به‌شمار می‌رود و بخش قابل توجهی از عرصه‌های بیلاقی آن، به‌ویژه در دهستان بیلاقی اردو و نواحی مرتفع همجوار با خلخال، محل استقرار تابستانه خانوارهای عشایری است. عشایر این محدوده عمدتاً در قالب طوایف کوچنده و نیمه‌کوچنده سازمان یافته‌اند و معیشت آنان بر دامداری سنتی، بهره‌برداری از مراتع طبیعی، تولید فرآورده‌های دامی و صنایع دستی (از جمله بافت گلیم، جاجیم و سیاه‌چادر) استوار است؛ به‌گونه‌ای که در فصل بیلاق در سیاه‌چادرها و سرپناه‌های سبک در ارتفاعات مستقر شده و در دوره قشلاق، بخشی از آن‌ها در سکونتگاه‌های روستایی حاشیه جلگه و نوار ساحلی رضوانشهر زندگی می‌کنند. الگوی کوچ فصلی این جامعه، علاوه بر کارکرد اقتصادی، در شکل‌دهی به هویت، انسجام اجتماعی و دانش بومی مرتبط با مدیریت مراتع، جهت‌یابی و سازگاری با محیط‌های جنگلی و کوهستانی نقش محوری دارد. هرچند در سال‌های اخیر عواملی مانند کاهش ظرفیت مراتع، تغییرات اقلیمی و گسترش یکجانشینی، از پویایی سنتی کوچ کاسته است. با وجود این، عناصر اصلی فرهنگ و سبک زندگی عشایری همچون زبان و گویش، موسیقی و آیین‌ها، پوشاک، خوراک سنتی و شبکه‌های خویشاوندی و همیاری، همچنان زنده است و در کنار تنوع چشم‌اندازهای طبیعی، ظرفیت قابل توجهی برای توسعه گردشگری عشایری و طبیعت‌گردی مبتنی بر اصول گردشگری پایدار و حفظ فرهنگ عشایر رضوانشهر فراهم می‌آورد.



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی ناحیه مورد مطالعه در کشور و استان گیلان

یافته‌ها و بحث

جدول (۱)، بر مبنای رویکرد «تئوری زمینه‌ای» تدوین شده است؛ رویکردی داده‌محور که در آن پژوهشگر به جای تکیه بر مفروضات نظری پیشینی، از خلال فرایند نظام‌مند گردآوری و تحلیل داده‌ها؛ شامل مصاحبه‌های عمیق، مشاهده مشارکتی و یادداشت‌های میدانی از جامعه عشایری رضوانشهر به استخراج مفاهیم بنیادی می‌پردازد. در مرحله کدگذاری باز، نخست داده‌ها به واحدهای معنایی کوچک و قابل تفکیک شکسته شده و مفاهیم محوری مرتبط با نقش گردشگری پایدار در حفظ فرهنگ عشایری شناسایی می‌شوند. در گام بعد، این مفاهیم در مرحله کدگذاری محوری بر اساس شباهت‌ها، پیوندهای علی، زمینه‌ای و کارکردی در قالب مقولات میان سطح یا گزینشی سازمان‌دهی می‌گردند. نهایتاً، در مرحله کدگذاری انتخابی، این مقولات با یکدیگر تلفیق شده و در قالب مقوله‌های نهایی یا کلان قرار می‌گیرند؛ مقولاتی که ساختار نظری و الگوی مفهومی پژوهش را شکل می‌دهند. از این رو، جدول (۱)، بازنمایی منسجم از فرایند استقرایی است که نشان می‌دهد گردشگری پایدار چگونه می‌تواند از طریق تقویت میراث ناملموس، توانمندسازی اقتصادی، حفظ شیوه‌های معیشت سنتی، صیانت محیط‌زیستی، افزایش انسجام اجتماعی و تداوم دانش بومی، به پایداری فرهنگ عشایر رضوانشهر منجر شود.

جدول ۱. کدگذاری و استخراج مقوله‌های نظری در پژوهش گردشگری پایدار و فرهنگ عشایری رضوانشهر

کدگذاری محوری (جزئی)	کدگذاری گزینشی (میان سطح)	کدگذاری نهایی (کلان)
برگزاری جشنواره‌های کوچ، معرفی آیین‌های مذهبی، اجرای موسیقی و رقص‌های محلی عشایری	احیای آیین‌ها و رسوم سنتی	
روایت‌گری داستان‌های شفاهی، بازنمایی سبک کوچ، نمایش ابزار و شیوه‌های معیشت	معرفی سبک زندگی سنتی عشایری	تقویت هویت فرهنگی و میراث ناملموس عشایری
ایجاد کارگاه‌های آموزش زبان محلی، جمع‌آوری اشعار، ضرب‌المثل‌ها و روایت‌های بومی	ارتقای جایگاه زبان و ادبیات محلی	
نمایش لباس‌های سنتی، آموزش پخت غذاهای محلی، فروش محصولات خوراکی بومی	احیای پوشاک و خوراک سنتی	
آموزش بافت گلیم، جاجیم و دست‌بافته‌ها، ایجاد بازارچه صنایع‌دستی عشایری	حفاظت از صنایع‌دستی و هنرهای بومی	
راهنمایی محلی، ایجاد اقامتگاه‌های بوم‌گردی، خدمات حمل‌ونقل محلی	ایجاد مشاغل مرتبط با گردشگری	
فروش صنایع‌دستی، عرضه لبنیات محلی، ایجاد برند «محصولات عشایر رضوانشهر»	توسعه بازار محصولات بومی	توانمندسازی اقتصادی و بهبود معیشت عشایر
ایجاد گردش مالی جدید، کاهش وابستگی به دامداری، فروش خدمات گردشگری تجربی	افزایش درآمد پایدار خانوارها	
ارزش‌گذاری اقتصادی بر آیین‌ها، غذاها، مصنوعات و تجربه زندگی عشایری	تبدیل فرهنگ به سرمایه اقتصادی	
سفر همراه با کوچ، تجربه زندگی سیار، مشاهده مسیرهای کوچ	معرفی کوچ به عنوان جاذبه گردشگری	حفاظت از شیوه زندگی و کوچ‌نشینی سنتی
آموزش شیوه‌های دامداری سنتی به گردشگران، بازدید از آغل‌ها و چراگاه‌ها	احیای مهارت‌های سنتی دامداری	
مرمت سیاه‌چادرها، بازسازی کمپ‌های عشایری با مصالح سنتی	حفظ ساختار چادرها و سکونتگاه‌ها	
آموزش گردشگران درباره حفظ مراتع، مدیریت پسماند، استفاده از مسیرهای مشخص	ترویج گردشگری مسئولانه	حفاظت و مدیریت محیط‌زیست طبیعی عشایر
تعیین ظرفیت تحمل گردشگر، کنترل اثرات زیست‌محیطی	جلوگیری از تخریب زیستگاه‌ها	
محافظت از آب‌شخورها، مراتع و مسیرهای کوچ	حفاظت از منابع حیاتی	
تشکیل تعاونی‌ها، شوراهای عشایری برای مدیریت گردشگری جامعه‌محور	مشارکت محلی در مدیریت گردشگری	تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام خانوادگی عشایر
مشارکت اعضای خانواده در ارائه خدمات گردشگری، تقویت نقش بزرگان و ریش‌سفیدان	افزایش همبستگی درون‌گروهی	
تبادل فرهنگی، ارتقای شناخت دو طرفه و کاهش فاصله فرهنگی	افزایش تعاملات مثبت با گردشگران	
آموزش مهارت‌هایی مثل گلیم‌بافی، کوچ، شناخت گیاهان دارویی	انتقال دانش به نسل جوان	حفظ دانش بومی و انتقال بین‌نسلی
فیلم‌برداری، ثبت مکتوب آیین‌ها، جمع‌آوری روایت‌ها و ترانه‌های سنتی	مستندسازی میراث فرهنگی	
ساخت مستندات، برنامه‌های گردشگری، تبلیغات فرهنگی	معرفی فرهنگ عشایری در رسانه‌ها	افزایش آگاهی عمومی درباره فرهنگ عشایری
تورهای مدرسه‌ای، تورهای دانشگاهی، تورهای تخصصی مردم‌شناسی	ایجاد تورهای فرهنگی و آموزشی	
استفاده از مصالح سنتی، احیای معماری سیاه‌چادر	بازسازی و مرمت چادرها و سازه‌های عشایری	حفظ کالبد و معماری سنتی
موزه کوچ، نمایش ابزارهای سنتی، گالری عکس فرهنگ عشایری	ایجاد موزه‌ها و نمایشگاه‌های عشایری	
قوانین ظرفیت‌پذیری، دستورالعمل تعامل گردشگر-جامعه	تدوین ضوابط گردشگری عشایری	تقویت مدیریت محلی و حکمرانی گردشگری
راه‌های دسترسی، سرویس‌های بهداشتی سازگار با طبیعت	توسعه زیرساخت‌های مناسب	
اصول میزبانی، بازاریابی، قیمت‌گذاری، حفظ میراث فرهنگی	آموزش مدیریت گردشگری به عشایر	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

بر اساس نتایج کدگذاری نهایی در چارچوب تئوری زمینه‌ای، نه مقوله کلان به عنوان ستون‌های اصلی مدل مفهومی پژوهش شناسایی شد که بیانگر ابعاد اساسی نقش گردشگری پایدار در جامعه عشایری رضوانشهر است. این مقوله‌ها شامل تقویت هویت فرهنگی و میراث ناملموس عشایری، توانمندسازی اقتصادی و بهبود معیشت عشایر، حفاظت از شیوه زندگی و کوچ‌نشینی سنتی، حفاظت و مدیریت محیط‌زیست طبیعی عشایر، تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام خانوادگی عشایر، حفظ دانش بومی و انتقال بین‌نسلی، افزایش آگاهی عمومی درباره فرهنگ عشایری، حفظ کالبد و معماری سنتی و تقویت مدیریت محلی و حکمرانی گردشگری است. این مقولات کلان، حاصل تجمع و انتزاع مفاهیم میان‌سطح و جزئی بوده و نشان می‌دهد که گردشگری پایدار، فراتر از یک فعالیت اقتصادی، به عنوان سازوکاری چند بعدی می‌تواند به صیانت همزمان از فرهنگ، معیشت، محیط‌زیست، سرمایه اجتماعی و نظام دانشی عشایر رضوانشهر منجر شود و بنیان نظری مدل نهایی پژوهش را شکل دهد.

از این رو، در ادامه با در نظر گرفتن چهارچوب نظری پژوهش و ضرورت پیوند عمیق‌تر با واقعیت‌های میدانی، در این بخش، هر یک از مقولات حاصل از تحلیل داده‌ها، با اتکا به روایت‌های دست‌اول جامعه عشایر، مورد بررسی و تعمق قرار گرفت.

تقویت هویت فرهنگی و میراث ناملموس عشایری

در دنیای معاصر که جهانی‌شدن با شتابی فزاینده به سوی یکسان‌سازی فرهنگی حرکت می‌کند، جوامع عشایری رضوانشهر در استان گیلان با چالشی دوگانه روبرو هستند؛ ضرورت حفظ اصالت‌های ریشه‌دار در عین همگامی با تحولات اجتماعی. در چنین شرایطی، گردشگری اگر در قالب «گردشگری پایدار و جامعه‌محور» تعریف شود، نه تنها یک ابزار اقتصادی، بلکه به مثابه یک محرک احیای عمل می‌کند که ظرفیت‌های فرهنگی عشایر را از انزوای خارج کرده و به یک سرمایه اجتماعی پویا تبدیل می‌نماید. از نگاه جامعه عشایری رضوانشهر، زمانی گردشگری یک فرصت واقعی محسوب می‌شود که به تقویت هویت فرهنگی و پاسداشت میراث ناملموس آن‌ها کمک کند. آیین‌ها، جشن‌ها، موسیقی، روایت‌های شفاهی و شیوه‌های زیست سنتی، بخش جدایی‌ناپذیر هویت تاریخی عشایر را تشکیل می‌دهند و پیوند عمیقی میان آن‌ها و سرزمینشان ایجاد کرده‌اند.

معرفی این میراث در قالب جشنواره‌های کوچک، اجرای موسیقی و رقص‌های محلی، و روایت داستان‌های بومی، فرصتی است تا جامعه عشایری نه تنها ارزش آیین‌های خود را بازخوانی کند، بلکه در تعامل با گردشگران، به خودباوری فرهنگی دست یابد. این رویدادها، افزون بر معرفی فرهنگ به گردشگران، بستر مناسبی برای انتقال دانش و مهارت‌ها به نسل جوان فراهم می‌آورد؛ چرا که با دیدن اقبال گردشگران به ریشه‌های فرهنگی‌شان، انگیزه و علاقه آن‌ها برای حفظ و تداوم این میراث دوچندان می‌شود. در این میان، سبک زندگی عشایری با تمامی ابعادش—از روایت داستان‌های شفاهی و شیوه‌های معیشت گرفته تا ابزارهای سنتی—به عنوان یک تجربه عمیق زیستی بازنمایی می‌شود که از «شیء‌وارگی» فرهنگ جلوگیری کرده و آن را به یک تجربه معنادار برای همگان تبدیل می‌کند.

علاوه بر این، زبان و ادبیات محلی به عنوان بستر اصلی انتقال تاریخ شفاهی، در جریان گردشگری کارکردی تازه می‌یابد؛ به طوری که برگزاری کارگاه‌های تعاملی برای آموزش زبان، ضرب‌المثل‌ها و روایت‌های حماسی، این گنجینه‌های کلامی را از خطر فراموشی مصون می‌دارد. پوشاک و خوراک نیز به عنوان نمادهای ملموس این هویت ناملموس، با ترویج استفاده از لباس‌های محلی و آموزش پخت غذاهای سنتی، به بخشی از هویت دیده و شناخته‌شده عشایر تبدیل می‌شوند و جامعه میزبان را نسبت به حفظ دقیق‌تر این الگوها حساس‌تر می‌کنند. در نهایت، با ایجاد بازارچه‌های صنایع‌دستی و کارگاه‌های آموزشی هنرهای نظیر بافت گلیم و جاجیم، این مهارت‌های استادکارانه به منبعی برای درآمد پایدار بدل گشته و تداوم هنرهای بومی را در برابر هجوم محصولات صنعتی تضمین می‌کند. در مجموع، گردشگری در جغرافیای فرهنگی رضوانشهر، چنانچه با محوریت «حفظ میراث» طراحی شود، فراتر از یک فعالیت خدماتی، به عنوان سپری دفاعی برای هویت عشایری عمل کرده و باعث می‌شود که این فرهنگ از یک امر سنتی در حال زوال، به هویتی زنده، پویا و مایه افتخار نسل‌های جدید تبدیل شود.

توانمندسازی اقتصادی و بهبود معیشت عشایر

گردشگری پایدار در رضوانشهر، نقشی کلیدی در توانمندسازی اقتصادی و ارتقای معیشت جامعه عشایری ایفا می‌کند. این رویکرد فراتر از ایجاد مشاغل موقت است و با تمرکز بر ایجاد ارزش اقتصادی پایدار از ظرفیت‌های فرهنگی و طبیعی منطقه، به تنوع‌بخشی منابع درآمدی خانوارها کمک می‌کند. ایجاد مشاغل نظیر راهنمایی محلی، راه‌اندازی اقامتگاه‌های بوم‌گردی با رویکرد

سنتی، و ارائه خدمات حمل‌ونقل محلی، دروازه‌های جدیدی به سوی اشتغال و درآمدزایی باز می‌کند. در همین راستا، توسعه بازار محصولات بومی مانند صنایع دستی و لبنیات محلی، با ایجاد برند «محصولات عشایر رضوانشهر»، به ارتقای جایگاه و شناخت این محصولات در بازارهای گسترده‌تر کمک کرده و ارزش افزوده قابل توجهی ایجاد می‌نماید.

این راهبرد با افزایش درآمد پایدار خانوارها، منجر به کاهش وابستگی صرف به دامداری و نوسانات فصلی و اقلیمی آن می‌شود. فروش خدمات گردشگری تجربی، مانند مشارکت در فعالیت‌های روزمره عشایر یا یادگیری مهارت‌های سنتی، به عنوان منبع درآمدی مستقل و پایدار، مستقیماً به بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها کمک می‌کند. مهم‌ترین دستاورد این رویکرد، تبدیل سرمایه فرهنگی ناملموس به سرمایه اقتصادی ملموس است؛ ارزش‌گذاری اقتصادی بر آیین‌ها، غذاها، صنوعات و تجربه زندگی عشایری، ضمن حفظ هویت فرهنگی، انگیزه جامعه محلی را برای معرفی هرچه بهتر این عناصر دوچندان کرده و در نهایت به شکوفایی اقتصادی و پویایی جامعه عشایری رضوانشهر در عصر مدرن منجر خواهد شد.

حفاظت از شیوه زندگی و کوچ‌نشینی سنتی

شیوه زندگی کوچ‌نشینی و سنت دیرینه کوچ، بخش جدایی‌ناپذیر هویت جامعه عشایری رضوانشهر محسوب می‌شود و حفظ آن برای این جامعه اهمیتی حیاتی دارد. گردشگری پایدار می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند در جهت معرفی و تداوم این شیوه زندگی منحصربه‌فرد عمل کند. با تبدیل کوچ به یک جاذبه فرهنگی، فرصتی فراهم می‌آید تا نه تنها این میراث ناملموس حفظ شود، بلکه از طریق آن، درآمدزایی پایدار نیز صورت گیرد. گردشگران می‌توانند با همراهی در مسیرهای سنتی کوچ، زندگی سیار عشایر را از نزدیک تجربه کنند. این امر شامل اقامت در سیاه‌چادرها، آشنایی با شیوه پخت‌وپز سنتی، و درک چالش‌ها و زیبایی‌های زندگی در طبیعت است. این تجربه‌ها، فراتر از یک بازدید ساده، به درک عمیق‌تری از فرهنگ و سبک زندگی عشایری منجر شده و از فراموشی این سنت‌ها جلوگیری می‌کند.

گردشگری فرصتی برای آموزش و انتقال دانش سنتی دامداری فراهم می‌آورد. گردشگران می‌توانند با شیوه‌های سنتی پرورش دام، مدیریت چراگاه‌ها، و فرآوری محصولات دامی آشنا شوند. بازدید از آغل‌ها و چراگاه‌ها، و شرکت در فعالیت‌های روزمره مرتبط با دامداری، به حفظ و احیای این مهارت‌های ارزشمند کمک کرده و دانش عملی و تجربی عشایر را به نسل‌های آینده و علاقه‌مندان منتقل می‌نماید. مرمت و بازسازی سیاه‌چادرها و کمپ‌های عشایری با استفاده از مصالح سنتی، نه تنها به حفظ ساختار فیزیکی سکونتگاه‌های عشایری کمک می‌کند، بلکه اصالت تجربه گردشگری را نیز تضمین می‌نماید. این امر با فراهم آوردن اقامتگاه‌های بوم‌گردی که بازتاب‌دهنده معماری و سبک زندگی سنتی عشایر هستند، ارزش فرهنگی و اقتصادی این شیوه زیست را برجسته می‌سازد.

حفاظت و مدیریت محیط‌زیست طبیعی عشایر

از دیدگاه جامعه عشایری رضوانشهر، محیط‌زیست طبیعی نه تنها بستر اصلی فعالیت‌های اقتصادی، بلکه میراثی حیاتی برای بقای نسل‌های آینده است. مراتع سرسبز، منابع آب و مسیرهای بکر کوچ، سرمایه‌هایی هستند که زندگی عشایری را معنا می‌بخشند. بنابراین، تحقق گردشگری پایدار در این منطقه مستلزم استقرار نظامی هوشمند برای حفاظت از این منابع در برابر مخاطرات احتمالی گردشگری بی‌رویه است. با اتخاذ رویکردهای مدیریتی دقیق، می‌توان گردشگری را نه به عنوان تهدیدی برای طبیعت، بلکه به عنوان ابزاری برای تقویت آگاهی عمومی و حراست از این زیست‌بوم قلمداد کرد. هسته اصلی حفاظت، آموزش فرهنگ‌سازی است. گردشگران باید پیش از ورود به مناطق عشایری، نسبت به اهمیت اکوسیستم‌های حساس آگاه شوند. آموزش در زمینه‌هایی همچون مدیریت صحیح پسماند، الزام به استفاده از مسیرهای مشخص جهت جلوگیری از لگدکوب شدن پوشش گیاهی و رعایت آداب زیست‌محیطی، نقشی کلیدی در کاهش ردپای اکولوژیک سفر دارد.

مدیریت اثرات زیست‌محیطی نیازمند تعیین دقیق «ظرفیت تحمل» مناطق است. با پایش مستمر تعداد بازدیدکنندگان و کنترل تردها، می‌توان از فشار مضاعف بر زیستگاه‌های حساس جلوگیری کرد. برنامه‌ریزی برای گردشگری هدایت‌شده، تضمین می‌کند که حضور گردشگران باعث اختلال در چرخه‌های طبیعی و اکوسیستم‌های منطقه نشود. حفظ یکپارچگی منابع آب‌شخورها، سلامت مراتع و امنیت مسیرهای کوچ، خط قرمز جامعه عشایری است. گردشگری باید با تعریف محدوده‌های حفاظتی و نظارت بر رعایت حریم این منابع، مانع از آلودگی و تخریب آن‌ها شود. در نهایت، با تلفیق این اقدامات مدیریتی، می‌توان تعادلی پایدار میان نیاز به

درآمدزایی گردشگری و ضرورت حفاظت از طبیعت ایجاد کرد؛ تعادلی که ضامن بقای همیشگی زیستگاه‌های طبیعی و معیشت عشایر رضوانشهر است.

تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام خانوادگی عشایر

از نگاه جامعه عشایری رضوانشهر، گردشگری پایدار فراتر از یک فعالیت اقتصادی، بستری ارزشمند برای تقویت پیوندهای اجتماعی و تحکیم بنیان‌های خانواده عشایری است. مدیریت هوشمندانه و جامعه‌محور گردشگری می‌تواند روحیه مشارکت را در میان اعضا دمیده و با ایجاد یک ساختار منسجم، هویت جمعی عشایر را بیش از پیش تقویت کند. برای آنکه گردشگری به درستی در خدمت منافع جامعه باشد، تشکیل تعاونی‌ها و شوراهای عشایری امری ضروری است. این نهادهای محلی به عنوان بازوان اجرایی، هدایت گردشگری جامعه‌محور را بر عهده می‌گیرند تا تصمیم‌گیری‌ها نه توسط عوامل بیرونی، بلکه بر اساس خرد جمعی و نیازهای واقعی عشایر صورت پذیرد. این رویکرد ضمن توزیع عادلانه منافع، حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری را در جامعه افزایش می‌دهد.

مشارکت فعال خانواده‌ها در زنجیره خدمات گردشگری—از میزبانی و پذیرایی گرفته تا تولید و عرضه صنایع دستی—فرصتی برای کار گروهی و پیوند میان نسل‌ها فراهم می‌کند. در این میان، جایگاه بزرگان و ریش‌سفیدان به عنوان حافظان فرهنگ و راهبران فعالیت‌ها، بیش از پیش برجسته می‌شود. آن‌ها با هدایت هنرمندان فعالیت‌ها، ارزش‌های اصیل کوچ‌نشینی را در قالب تجربیات گردشگری به نسل جوان منتقل کرده و انسجام درونی خانواده را حول محور حفظ میراث اجدادی تقویت می‌کنند. گردشگری پایدار دروازه‌ای برای گفت‌وگوی بین‌فرهنگی است. این تعاملات دوجانبه، علاوه بر ارتقای شناخت گردشگران نسبت به سبک زندگی عشایر، به عشایر نیز دیدگاهی وسیع‌تر نسبت به دنیای بیرون می‌بخشد. این تبادل فرهنگی، نه تنها باعث کاهش فاصله‌های فرهنگی و زدودن پیش‌داوری‌ها می‌شود، بلکه با ایجاد احترام متقابل، حس اعتماد به نفس و افتخار به فرهنگ خویش را در میان جامعه عشایری رضوانشهر دوچندان می‌سازد.

حفظ دانش بومی و انتقال بین‌نسلی

جامعه عشایری رضوانشهر، گردشگری پایدار را فرصتی مغتنم برای پاسداشت میراث غنی دانش بومی و تضمین انتقال آن به نسل‌های آتی می‌نگرد. این دانش که تجمیع تجربیات قرن‌ها زیست در طبیعت است، شامل مهارت‌های حیاتی چون گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، شناخت گیاهان دارویی، شیوه‌های کهن دامداری و هنر مدیریت کوچ می‌باشد. گردشگری، با فراهم آوردن بستری برای نمایش و آموزش این مهارت‌ها، نه تنها به حفظ آن‌ها یاری می‌رساند، بلکه انگیزه‌ای قدرتمند برای جوانان عشایر جهت یادگیری، به‌کارگیری و تداوم این سنت‌های ارزشمند ایجاد می‌کند. معرفی فعالانه این مهارت‌ها به گردشگران، فرصتی دوچندان را فراهم می‌آورد؛ هم دانش بومی در معرض دید و قضاوت جامعه گسترده‌تر قرار می‌گیرد و هم جوانان عشایر با مشاهده استقبال و اهمیت‌دهی گردشگران به این میراث، تشویق به فراگیری و حفظ آن می‌شوند. این امر، شکاف نسلی را کاهش داده و پیوندی عمیق میان سنت و مدرنیته برقرار می‌سازد.

در کنار انتقال عملی مهارت‌ها، حفاظت از جنبه‌های ناملموس فرهنگ عشایری نیز اهمیتی حیاتی دارد. ثبت تصویری و مکتوب آیین‌ها، مراسم، روایت‌های شفاهی، ترانه‌ها و داستان‌های سنتی، گنجینه‌ای گران‌بها برای آیندگان فراهم می‌آورد. این مستندسازی، به ویژه از طریق فیلم‌برداری و جمع‌آوری روایت‌های شفاهی، امکان درک عمیق‌تر و زنده نگه‌داشتن روح فرهنگ عشایری را در طول زمان میسر می‌سازد. گردشگری پایدار، در این چارچوب، نه تنها یک فعالیت اقتصادی، بلکه ابزاری قدرتمند برای تقویت هویت فرهنگی، حفظ دانش بومی و تضمین بقای سنت‌های اصیل در جامعه عشایری رضوانشهر محسوب می‌شود. این رویکرد، با ایجاد گفتگوی فرهنگی و افزایش درک متقابل میان عشایر و گردشگران، به اصلاح تصورات نادرست و ارتقای احترام جهانی به این شیوه زندگی منحصر به فرد یاری می‌رساند.

افزایش آگاهی عمومی درباره فرهنگ عشایری

جامعه عشایری رضوانشهر، گردشگری پایدار را ابزاری کلیدی برای ارتقای شناخت عمومی نسبت به فرهنگ غنی و منحصر به فرد خود می‌داند. این رویکرد، با هدف افزایش آگاهی عمومی و تصحیح تصورات نادرست، فرصتی برای معرفی شایسته این شیوه زندگی به جامعه ملی و بین‌المللی فراهم می‌آورد.

بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها، از جمله ساخت مستندهای جذاب، برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی با محوریت زندگی عشایر، و همچنین کمپین‌های تبلیغاتی فرهنگی هدفمند، نقشی اساسی در معرفی این فرهنگ ایفا می‌کند. این اقدامات رسانه‌ای، با نمایش ابعاد گوناگون زندگی عشایری—از هنر و موسیقی گرفته تا آداب و رسوم و چالش‌های روزمره—به ایجاد تصویری دقیق و چندوجهی از این جامعه کمک شایانی می‌کند. فراتر از رسانه‌ها، طراحی و اجرای تورهای تخصصی فرهنگی و آموزشی، تأثیرگذاری عمیق‌تری خواهد داشت. برگزاری تورهای مدرسه‌ای و دانشگاهی، به‌ویژه برای دانشجویان رشته‌هایی چون مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، و گردشگری، فرصتی بی‌نظیر برای یادگیری میدانی و درک مستقیم لایه‌های فرهنگی جامعه عشایری فراهم می‌سازد. این تورها، با ارائه تجربه‌ای زیسته و تعاملی، به درونی‌سازی مفاهیم و ایجاد ارتباطی پایدار میان نسل جوان و فرهنگ عشایری کمک می‌کنند.

حفظ کالبد و معماری سنتی

در مسیر توسعه گردشگری پایدار، جامعه عشایری رضوانشهر تأکید ویژه‌ای بر حفظ کالبد و معماری اصیل خود دارد؛ چرا که سیاه‌چادرها و سازه‌های سنتی، فراتر از یک سرپناه، نماد عینی هویت، تاریخ و مهارت‌های فنی این جامعه محسوب می‌شوند. رویکرد جامعه محلی در این زمینه بر دو محور اساسی استوار است:

حفظ اصالت معماری عشایری در گرو بازسازی و مرمت هوشمندانه با تکیه بر دانش بومی است. این فرآیند شامل استفاده از مواد و مصالح سنتی—که با اقلیم سازگاری کامل دارند—و احیای تکنیک‌های بافت و برپایی «سیاه‌چادر» است. این اقدامات نه تنها از نابودی سبک معماری منحصربه‌فرد عشایری جلوگیری می‌کند، بلکه فضاهایی با هویت و اصالت بالا ایجاد می‌نماید که برای گردشگران بسیار جذاب و الهام‌بخش است و تجربه حضور در محیط واقعی زندگی عشایر را برای آنان دوچندان می‌کند. جهت نهادینه‌سازی و معرفی بصری این میراث، ایجاد موزه‌های تخصصی نظیر «موزه کوچ» در اولویت قرار دارد. این فضاها بستری برای نمایش ابزارآلات سنتی زندگی، ادوات کشاورزی و دامداری، صنایع دستی و همچنین گالری‌های عکس از سبک زندگی، مناظر کوچ و چهره‌های تأثیرگذار عشایری فراهم می‌آورند. این نمایشگاه‌ها، تاریخ شفاهی و روایات ملموس زندگی عشایری را از دل چادرها به نمایشگاه‌های عمومی می‌آورند و به ابزاری برای روایتگری تاریخی تبدیل می‌شوند که در آن هر شیء، قصه‌ای از تاب‌آوری و هنر زیستن در طبیعت را برای بازدیدکنندگان بازگو می‌کند.

تقویت مدیریت محلی و حکمرانی گردشگری

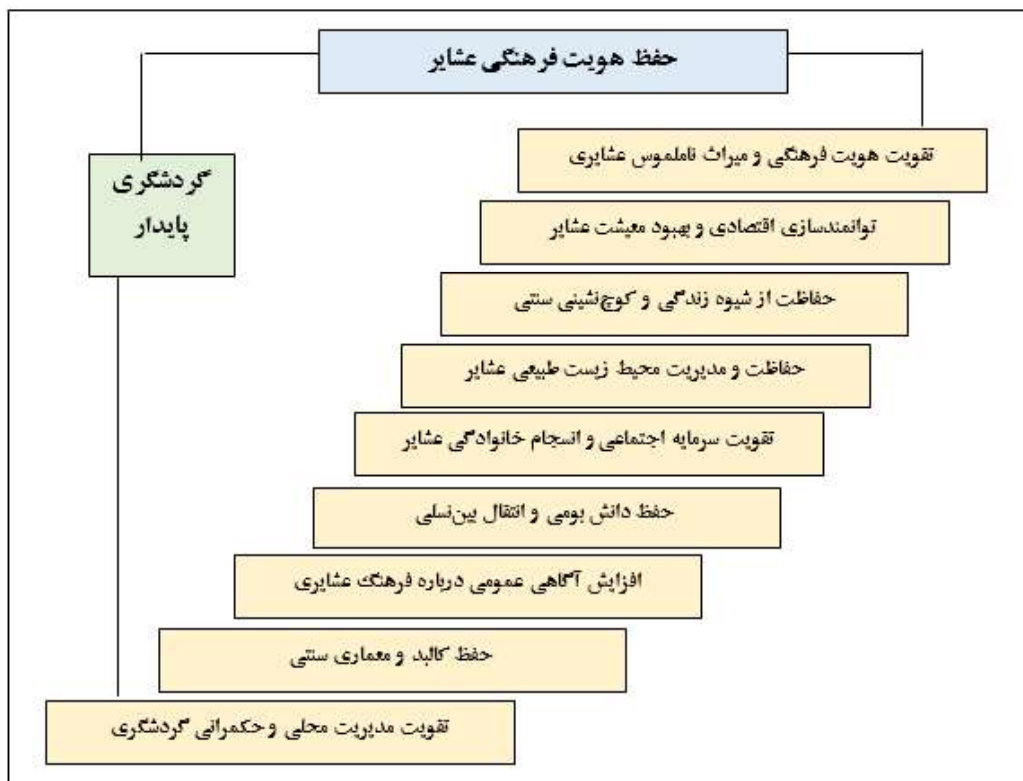
از نگاه جامعه عشایری رضوانشهر، تحقق گردشگری پایدار بدون وجود مدیریت محلی و نظام حکمرانی مناسب امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو، تدوین ضوابط مشخص برای فعالیت‌های گردشگری، تعیین ظرفیت پذیرش گردشگران و ایجاد دستورالعمل‌های مناسب برای تعامل میان گردشگران و جامعه محلی، به عنوان اقداماتی کلیدی در جهت ساماندهی این فعالیت‌ها ضروری است. این ضوابط نه تنها از فشارهای احتمالی بر منابع طبیعی و فرهنگی جلوگیری می‌کنند، بلکه با شفاف‌سازی انتظارات و رفتارها، تجربه‌ای مثبت و سازنده را برای گردشگران و جامعه میزبان رقم می‌زنند.

علاوه بر این، توسعه زیرساخت‌های متناسب با محیط طبیعی منطقه، همچون بهبود راه‌های دسترسی و ایجاد سرویس‌های بهداشتی سازگار با طبیعت، و همچنین آموزش مهارت‌های مدیریت گردشگری به خود عشایر—شامل اصول میزبانی، بازاریابی، قیمت‌گذاری، و حفظ میراث فرهنگی—زمینه‌ای مساعد برای بهره‌برداری پایدار از ظرفیت‌های گردشگری فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی، گردشگری می‌تواند به ابزاری مؤثر برای حفظ فرهنگ، تقویت معیشت و تداوم هویت عشایری در منطقه رضوانشهر تبدیل شود، به گونه‌ای که منافع اقتصادی با حفظ ارزش‌های فرهنگی و زیست‌محیطی در هم آمیزد.

باتوجه به یافته‌های حاصل شده مدل زیر را می‌توان در خصوص ارتباط و اثر گردشگری پایدار در حفظ هویت فرهنگ عشایر ترسیم نمود (شکل ۲). در این مدل، گردشگری پایدار به عنوان محرک اصلی عمل می‌کند که از طریق فرآیندهای مختلف، به حفظ هویت و فرهنگ عشایر منجر می‌شود. این فرآیندها را می‌توان به شرح زیر تقویت و توسعه داد. اولاً، ابعاد اقتصادی گردشگری پایدار باید تقویت شوند؛ این امر از طریق ایجاد اشتغال پایدار، توسعه زنجیره ارزش محلی و حمایت از کارآفرینی در بین عشایر محقق می‌شود. تمرکز بر توسعه فرصت‌های شغلی مستقیم و غیرمستقیم در بخش‌هایی مانند اقامتگاه‌های بوم‌گردی، صنایع دستی، راهنمایان محلی و تولید محصولات بومی، درآمدزایی مستمر و پایداری را برای عشایر فراهم می‌کند. همچنین، تشویق به استفاده از محصولات و خدمات داخلی در صنعت گردشگری باعث افزایش سهم درآمد عشایر و تقویت اقتصاد محلی می‌شود.

افزون بر این، ارائه تسهیلات و آموزش‌های لازم برای راهاندازی کسب‌وکارهای مرتبط با گردشگری، باعث توانمندسازی اقتصادی و افزایش استقلال عشایر می‌شود.

دومین بخش مهم، تقویت ابعاد فرهنگی و اجتماعی است که اهمیت فراوانی در حفظ هویت فرهنگی دارد. در این راستا، مستندسازی، حفظ و انتقال میراث فرهنگی و فرهنگی‌سازی میراث فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد؛ این کار شامل حمایت از عشایر برای حفظ داستان‌ها، موسیقی، رقص‌ها، آداب و رسوم و هنرهای دستی می‌باشد تا این ارزش‌ها به نسل‌های آینده منتقل شوند. همچنین، ارتقای سطح مشارکت جامعه عشایری در تمام مراحل توسعه گردشگری، از برنامه‌ریزی گرفته تا اجرا و نظارت، ضروری است؛ این مشارکت سبب تضمین برابری و بهره‌وری منافع می‌شود و حس تعلق و غرور فرهنگی در میان عشایر را تقویت می‌کند. تعامل مستمر با گردشگران و معرفی جنبه‌های منحصر به فرد فرهنگ عشایری، علاوه بر حفظ اصالت‌ها، موجب تبادل فرهنگی مثبت و افزایش شناخت عمومی می‌شود. در نهایت، باید به ابعاد زیست‌محیطی توجه ویژه داشت؛ حفاظت از مراتع، منابع آب و تنوع زیستی، اجرای برنامه‌هایی برای مدیریت پایدار منابع طبیعی، آموزش جامعه عشایری و گردشگران در خصوص اهمیت حفاظت از محیط زیست و کاهش اثرات منفی فعالیت‌های گردشگری، سبب تقویت پایداری زیست‌محیطی منطقه می‌شود.



شکل ۲. مدل مفهومی گردشگری پایدار در حفظ هویت فرهنگ عشایر، منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از کدگذاری نهایی در چارچوب تئوری زمینه‌ای نشان می‌دهد که گردشگری پایدار می‌تواند به عنوان یکی از راهبردهای مؤثر در حفظ و تقویت فرهنگ و معیشت جامعه عشایری رضوانشهر ایفای نقش کند. مقولات کلان‌شناسایی شده در این پژوهش بیانگر آن است که گردشگری، در صورتی که با رویکردی برنامه‌ریزی شده و مبتنی بر مشارکت جامعه محلی توسعه یابد، قادر است زمینه‌ای برای تقویت هویت فرهنگی، حفاظت از میراث ناملموس و تداوم شیوه‌های سنتی زندگی عشایری فراهم آورد. در این چارچوب، گردشگری نه صرفاً یک فعالیت اقتصادی، بلکه فرایندی اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌شود که می‌تواند به پویایی و ماندگاری فرهنگ عشایری در بستر تحولات معاصر کمک کند. از منظر فرهنگی، گردشگری پایدار فرصتی برای بازنمایی

و احیای عناصر هویتی جامعه عشایری فراهم می‌آورد. آیین‌ها، زبان محلی، موسیقی، پوشاک سنتی و صنایع‌دستی از جمله مؤلفه‌هایی هستند که از طریق تعامل با گردشگران امکان معرفی و بازتولید آن‌ها در سطح گسترده‌تر فراهم می‌شود. این امر سبب می‌شود که جامعه محلی نسبت به ارزش‌های فرهنگی خود آگاهی بیشتری پیدا کرده و انگیزه بیشتری برای حفظ و انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده داشته باشد. در نتیجه، گردشگری می‌تواند به تقویت احساس هویت و تعلق فرهنگی در میان عشایر رضوانشهر کمک کند.

از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گردشگری پایدار می‌تواند در بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی جامعه عشایری نقش مهمی ایفا کند. ایجاد فرصت‌های شغلی مرتبط با گردشگری، توسعه بازار محصولات بومی و افزایش درآمد خانوارهای عشایری از جمله پیامدهای مثبت این فعالیت است. در چنین شرایطی، فرهنگ و سبک زندگی عشایری به عنوان یک ظرفیت ارزشمند اقتصادی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و این امر می‌تواند انگیزه بیشتری برای حفظ سنت‌ها و شیوه‌های معیشتی بومی ایجاد کند. بدین ترتیب، گردشگری پایدار می‌تواند به ایجاد تعادل میان توسعه اقتصادی و حفظ ارزش‌های فرهنگی کمک نماید. همچنین حفاظت از شیوه زندگی کوچ‌نشینی و نظام‌های معیشتی سنتی از دیگر ابعاد مهمی است که در چارچوب گردشگری پایدار قابل تقویت است. معرفی کوچ به عنوان یک جاذبه فرهنگی و تجربه زیسته برای گردشگران، می‌تواند به حفظ مسیرهای کوچ، مهارت‌های دامداری سنتی و ساختارهای سکونت عشایری کمک کند. این امر نه تنها موجب تداوم سبک زندگی عشایری می‌شود، بلکه امکان انتقال دانش و مهارت‌های سنتی به نسل‌های آینده را نیز فراهم می‌سازد.

از منظر محیط‌زیستی نیز توسعه گردشگری پایدار می‌تواند به حفاظت از منابع طبیعی مناطق عشایری کمک کند. مراتع، منابع آب و زیستگاه‌های طبیعی که بستر اصلی زندگی عشایری محسوب می‌شوند، در صورت مدیریت صحیح گردشگری می‌توانند مورد حفاظت و بهره‌برداری مسئولانه قرار گیرند. آموزش گردشگران، تعیین ظرفیت پذیرش مناطق طبیعی و رعایت اصول گردشگری مسئولانه از جمله اقداماتی است که می‌تواند به حفظ تعادل میان بهره‌برداری گردشگری و حفاظت از محیط‌زیست منجر شود. علاوه بر این، گردشگری پایدار می‌تواند زمینه تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه عشایری را فراهم آورد. مشارکت فعال جامعه محلی در برنامه‌ریزی و مدیریت فعالیت‌های گردشگری، موجب افزایش حس تعلق، همکاری و همبستگی میان اعضای جامعه می‌شود. در چنین شرایطی، نقش نهادهای محلی، بزرگان و ریش‌سفیدان در هدایت و ساماندهی فعالیت‌ها اهمیت بیشتری می‌یابد و این امر می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای حکمرانی محلی کارآمد در حوزه گردشگری منجر شود. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گردشگری پایدار، در صورت برنامه‌ریزی اصولی و مبتنی بر مشارکت جامعه محلی، می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای صیانت از فرهنگ، تقویت معیشت و حفظ هویت عشایری در منطقه رضوانشهر مورد استفاده قرار گیرد. تحقق این امر مستلزم توجه همزمان به ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی گردشگری و همچنین ایجاد سازوکارهای مدیریتی و نهادی مناسب است. در چنین چارچوبی، گردشگری می‌تواند به عاملی برای پایداری فرهنگی و توسعه متوازن جامعه عشایری رضوانشهر تبدیل شود. با توجه به نتایج نهایی پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- ✓ برگزاری کارگاه‌های آموزشی با محوریت آشنایی با مفاهیم گردشگری پایدار، مهارت‌های هتلداری و مهمان‌نوازی، معرفی جاذبه‌های فرهنگی و طبیعی منطقه، و آموزش اصول حفاظت از میراث ناملموس (مانند آیین‌ها، زبان محلی، موسیقی)؛
- ✓ راه‌اندازی مراکز فرهنگی و خانه-موزه‌های عشایری برای نمایش و معرفی آیین‌ها، پوشاک سنتی، صنایع‌دستی، ابزار و ادوات زندگی عشایری؛
- ✓ برگزاری رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی با مشارکت گردشگران و جامعه محلی (مانند جشنواره غذاهای سنتی عشایری، نمایشگاه صنایع‌دستی، اجرای موسیقی محلی، بازسازی آیین‌های کوچ)؛
- ✓ تشویق به مستندسازی و ثبت میراث ناملموس: از طریق فیلم‌برداری، ضبط صدا، و گردآوری خاطرات و داستان‌های شفاهی بزرگان ایل.

منابع

- آفتاب، احمد؛ مفرح بناب، مجتبی، مجنون توتاخانه، علی؛ و رفیعی اسکویی، امین. (۱۳۹۵). واکاوی ظرفیت‌های اجتماعی عشایری استان آذربایجان غربی در ایجاد امنیت مرزها. نشریه دانش انتظامی آذربایجان غربی. ۹(۳۳)، ۱۰۲-۸۲.
- انصاری، وحید؛ حیدری، قدرت اله؛ مجاوریان، سید مجتبی و رستگار، شفق (۱۳۹۸). اثر توسعه گردشگری عشایری بر شاخص‌های معیشت پایدار مرتعداران (مطالعه موردی: مناطق عشایری لار، البرز مرکزی)، نشریه مرتع، ۱۳(۲)، ۳۰۵-۲۹۴.

- پروین جهرمی، صبا؛ رشیدوش، وحید؛ شربتیان، یعقوب و باصری، علی. (۱۴۰۴). تحلیل انسان شناختی کارکردهای صنایع دستی قشقایی؛ بازتابی هویت، سنت و فرهنگ. مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان، ۵(۱)، ۸۳-۹۶.
- جمینی، داود و دهقانی، امین. (۱۴۰۲). شناسایی ظرفیتهای اقتصادی و اجتماعی جامعه عشایری غرب ایران (مطالعه موردی: شهرستان روانسر). مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۴(۳)، ۲۰-۱.
- حجی پور، محمد. (۱۴۰۰). شکاف فضایی بنیانهای اقتصاد عشایری در استان خراسان جنوبی. مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان، ۱(۲)، ۹۳-۱۱۰.
- دلاوری، حسین؛ نادری مایوان، رمضانعلی و وطن پرست، مهدی. (۱۴۰۴). شناسایی ابعاد و شاخص های مشارکت در توسعه گردشگری در قلمرو کوچ نشینان (مورد مطالعه: شهرستان قوچان). مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان، ۵(۲)، ۳۲-۱۹.
- رشیدوش، وحید و زحمتکش، جواد (۱۳۹۸). تحلیل مردم شناختی پوشاک عشایر استان فارس (مطالعه موردی: قشقایی های فیروزآباد). نشریه شباک، ۵(۴۹)، ۶۰-۵۱.
- رضایی، پژمان. (۱۳۹۷). مکان یابی سایت های گردشگری عشایری (مطالعه موردی: استان چهارمحال و بختیاری). مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، ۱۳(۴۵)، ۹۶۹-۹۵۱.
- سواری، مسلم؛ حسینی سروسرستانی، نغمه و شوکتی آملانی، محمد. (۱۴۰۴). عوامل موثر بر وفاداری گردشگران نسبت به غذای محلی در قلمرو کوچ نشینان: مطالعه موردی شهرستان شوشتر. مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان، ۵(۱)، ۱۵۸-۱۴۷.
- شمس الدینی، علی و جمینی، داود. (۱۴۰۳). شناسایی مهم ترین استراتژی توسعه گردشگری عشایری (مطالعه موردی: استان فارس). پژوهش های جغرافیای اقتصادی، ۵(۱۷)، ۲۷-۱۳.
- صفری علی اکبری، مسعود. (۱۴۰۰). بررسی وضعیت و نقش جامعه عشایری در توسعه پایدار مرزهای کشور (مورد مطالعه عشایر غرب ایران). فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، ۱۱(۴۱)، ۸۲-۶۷.
- صیدائی، سیداسکندر. (۱۳۸۸). چشم انداز جامعه عشایری ایران در افق ۲۰ ساله آتی. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۹(۱۲)، ۱۶۶-۱۴۷.
- ضیائی، محمود؛ فقیهی، ابوالحسن؛ طهماسبی، اصغر و نعمتی، ولی. (۱۴۰۰). طراحی الگوی مدیریت توسعه گردشگری عشایری با استفاده از رویکرد مدل سازی ساختاری - تفسیری. پژوهش های مدیریت عمومی، ۱۴(۵۳)، ۲۷-۵.
- قنبری، سیروس؛ رضایی، سمیه و منصوری دانشور، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر توسعه گردشگری عشایری با استفاده از تکنیک SWOT (مطالعه موردی: ایل بختیاری). فصلنامه فضای گردشگری، ۳(۱)، ۱۱۹-۱۰۵.
- کریمیان، وحید؛ صفایی، مژده؛ و متین خواه، سید حمید. (۱۳۹۳). استفاده از دانش بومی عشایر راهکاری مناسب جهت مدیریت بهینه اکوسیستم های طبیعی. نشریه پژوهش های علوم و فناوری چوب و جنگل، ۲۱(۴)، ۱۱۴-۹۵.
- میرواحدی، سیدسعید و اسفندیاری بیات، الهام (۱۳۹۵). بررسی پتانسیل کارآفرینی گردشگری فرهنگی در جامعه عشایر قشقایی ایران، گردشگری و توسعه، ۶(۹)، ۷۸-۶۲.
- Drees, L., Liehr, S., Batbuyan, B., Marg, O., & Mehring, M. (2022). In search of a nomadic pastoralism for the 21st century. A transdisciplinary development of future scenarios to foster a social-ecological transformation in Mongolia, *Innovation: The European Journal of Social Science Research*, 35(3), 481-505, DOI: 10.1080/13511610.2022.2100744.
- Ghaderzadah, H., Dehghani, A., & Jamini, D. (2023). Rural Elites; the Causes of Migration and Attracting their Participation in the Process of Rural Development with Thematic Analysis Approach (Case Study: Kurdistan Province). *Journal of Research and Rural Planning*, 12(4), 79-98. <https://doi.org/10.22067/jrrp.v12i4.2309-1087>.
- Jamini, D., & Dehghani, A. (2024). An Analysis of Rural Tourism Marketing Indicators (The Case of Quri Qaleh Village, Ravansar County). *Sustainable Rural Development*, 8(1). <https://doi.org/10.22034/jsrd.2024.446379.1182>.
- Karali, A., Das, S., & Roy, H. (2024). Forty years of the rural tourism research: Reviewing the trend, pattern and future agenda. *Tourism Recreation Research*, 49(1), 173-200. <https://doi.org/10.1080/02508281.2021.1961065>.
- Kou, Y., & Xue, X. (2024). The influence of rural tourism landscape perception on tourists' revisit intentions—a case study in Nangou village, China. *Humanities and Social Sciences Communications*, 11(1), 1-14. <https://doi.org/10.1057/s41599-024-03129-8>
- Verma, V., Ahlawat, R., Ghai, M., & Bansal, S. (2024). Rural tourism in Himachal Pradesh in transition: Challenges for regional sustainability. *Multidisciplinary Reviews*, 7(1), 2024010-2024010. <http://dx.doi.org/10.31893/multirev.2024010>.

Yanan, L., Ismail, M. A., & Aminuddin, A. (2024). How has rural tourism influenced the sustainable development of traditional villages? A systematic literature reviews. Heliyon. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e25627>